

## بازنمود عناصر و مفاهیم هستی در نگاره بارگاه کیومرث شاهنامه تهماسبی

### چکیده

بخش مهمی از هستی‌شناسی نگارگری ایرانی، به بن‌مایه‌ها و مفاهیم اساطیری آن بازمی‌گردد. شاهنامه فردوسی از مهم‌ترین متونی است که از نظر صورخیال و جنبه‌های تصویری شعر آکنده از رمز و راز است. به همین علت جنبه هنری آن امری محسوس است. در شاهنامه عناصر طبیعت که بارزترین نمونه آن چهار عنصر اصلی آب، آتش، باد و خاک هستند، جایگاه منحصر به فرد و هویتی ماورایی و نمادین دارند. مفاهیم اساطیری نیز از عناصر هستی‌ساز این نگاره‌ها هستند. در این پژوهش، نگارندگان به‌طور خاص به تحلیل هستی‌شناسی و تطبیق نمادهای آن در اساطیر و نیز در نگاره بارگاه کیومرث از شاهنامه تهماسبی با رویکرد حکمت و عرفان اسلامی با هدف کشف عوامل هستی‌ساز در این نگاره و بررسی مفاهیم و نمادهای این عناصر هستی پرداخته‌اند. مقاله حاضر به روش تطبیقی-تحلیلی بر روی نگاره بارگاه کیومرث با گردآوری مطالب به‌صورت اسنادی و تحلیل نگاره تدوین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگارگر از لحاظ بصری و نمادین به مدد اساطیر و شاخصه‌های طبیعت و نیز حکمت و عرفان اسلامی در راستای مفهوم‌سازی داستان و هستی بخشیدن به نگاره استفاده کرده و نگارگر با بهره‌گیری از شاهنامه و همچنین مفاهیم عمیق حکمت ایرانی و ادبیات و عرفان اسلامی آن دوره با فرآینمایی عناصر هستی به هستی در نگارگری جلوه‌ای نمادین بخشیده است.

### اهداف پژوهش:

۱. کشف عوامل هستی‌ساز در نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه تهماسبی.
۲. بررسی مفاهیم و نمادهای عناصر هستی در نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه تهماسبی.

### سؤالات پژوهش:

۱. چه نسبتی بین هستی‌شناسی ایرانی-اسلامی با نگارگری وجود دارد؟
۲. عناصر و نمادهای هستی چه رابطه معناداری با هستی در نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه تهماسبی دارند؟

**کلیدواژه‌ها:** نگارگری ایران، هستی‌شناسی، دربار کیومرث.

## مقدمه

مفهوم وجود یا هستی، امری ذهنی، بدیهی و در برابر مفهوم عدم است. هستی، حقیقتی است که همیشه تحقق دارد و در آن زندگی جریان دارد. هستی‌شناسی علم وجود است؛ از آن جهت که وجود دارد. در این حوزه ذات اشیاء از این جهت که جوهر هستند، با قطع نظر از پدیدارها مورد تحقیق قرار می‌گیرد. هستی‌شناسی به سرشت و ویژگی‌های وجود و ساختار قطعی و حتمی واقعیت می‌پردازد که نقش مهمی در تجزیه و تحلیل آثار از جمله آثار هنری دارد. حکماً و فلاسفه ایرانی به هستی و هستی‌شناسی نگاه ویژه‌ای داشتند. آن‌ها اعتقاد دارند هستی در هنر از خفا شکل گرفته و از باطن نمایان شده است. در نظام فلسفی حکمت ایرانی-اسلامی، طبیعت به عنوان مظهر موجودی که همچنان در حدوث و بقای از او اثر می‌پذیرد و متناسب با بهره‌ای که از هستی می‌گیرد، دارای علم، ادراک و شعور است و ظاهرکننده باطن و پیدای ناپیدای حقیقت هستی است. درواقع همراهی فرهنگ ایرانی با حکمت و کتاب سبب می‌شود که شعر و موسیقی و نقاشی‌اش هم دینی شود؛ یعنی باورهای خود از فرهنگ و حکمت اسلامی را در هنر جاری کند. شعر فارسی، موسیقی قابل درک است. وقتی موسیقی به شعر تبدیل می‌شود، شعر در ذهن هنرمند آفریده می‌شود و بعد به صورت اصوات در می‌آید، شعر انگاره پرداز است، ولی وقتی انگاره عینیت پیدا می‌کند؛ تبدیل به نگاره می‌شود، درواقع نگاره همان شعر مصور است. در میان آثار متعدد ادب فارسی، شاهنامه فردوسی یکی از مهم‌ترین اسطوره متن‌های فرهنگ ایرانی است که هم از نظر موضوع و مضمون و هم از جهت سبک، ویژگی‌های منحصر به فرد و مخصوص دارد که توجه اغلب رشته‌های هنری را به خود جلب کرده است. بین هنر ایران و شعر رابطه خاصی وجود دارد، اساس هر دو بر پایه حکمت ایرانی است. نگارگری ایرانی هنری است که بیش از دیگر هنرها متأثر از ادبیات و به خصوص شاهنامه فردوسی بوده است. از میان اساطیر چهار عنصر طبیعت (آب و باد و خاک و آتش) در شاهنامه، صاحب ویژگی‌های رمزی و نمادین در جهان اساطیری هستند که آفرینش جهان نیز با پیدایش این عناصر هستی آغاز می‌شود. این چهار عنصر با چرخش خود نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ می‌کنند و با مفاهیم اساطیری و نمادین خود، هستی شعر و آثار متأثر از آن از جمله نگارگری را پدید می‌آورند.

حکیم ابوالقاسم فردوسی با آگاهی به پیشینه تقدس و حیات بخش این عناصر و دیگر عناصر هستی بخش در فرهنگ و تمدن ایرانی، به این عناصر هویتی ماورایی و نمادین بخشیده است که دارای روح و اختیار فردی هستند. این عناصر در همه جای شاهنامه، قهرمان حماسه را مقابل عوامل اهریمنی محافظت می‌کنند و به او یاری می‌رسانند. نگارگر ایرانی نیز بارها و بارها این اثر عظیم را مورد توجه قرار داده و به کتابت و نگارگری آن پرداخته است و هستی نگاره‌های خود را از این اشعار ستانده است. یکی از بهترین و برترین نمونه‌ها در طول تاریخ نگارگری ایران، شاهکار بزرگ، شاهنامه تهماسبی است. نگارگر ایرانی، نقاشی خلاق بوده که از تقلید صرف مظاهر طبیعت دوری کرده است و با توجه به معانی نمادین و اسطوره‌ای اساطیر داستان و نیز متأثر از حکمت و عرفان

ایرانی‌اسلامی، نگارگری را به‌صورت تمثیلی در فضایی بهشتی و ماورایی ارائه داده است. درواقع نحوه‌وجودی این آثار با نحوه‌وجودی اعیان واقعی فرق دارد، نیز بنیاد وجودی آن‌ها تنها در آگاهی محض نیست، بلکه برگرفته از خیال و دنیای تمثیل هستند. پژوهش حاضر از میان عناصر و مفاهیم هستی‌ساز در طبیعت؛ به عناصر باد، خاک، آب، رنگ و مفهوم نخستین انسان از لحاظ بصری و زیباشناسی و نیز تحلیل و تطبیق معانی نمادین آن‌ها متأثر از مبادی عرفان و حکمت اسلامی در نگاره مذکور پرداخته است. در ابتدا نقش این عناصر در اسطوره و شاهنامه بررسی می‌شود و پس از آن به‌صورت خاص در هستی‌بخشیدن به نگاره دربار کیومرث مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

باتوجه‌به حکمت و عرفان ایرانی و اسلامی با رویکردی تحلیلی - تطبیقی و توصیفی، از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی، نگاره دربار کیومرث که جزو ده دوازده نگاره برتر این شاهنامه است را انتخاب کرده و به بررسی عناصر هستی هم از لحاظ زیبایی‌شناسی تصویری و هم از لحاظ نمادین پرداخته‌ایم که چه نقشی در هستی‌بخشیدن به این نگاره داشته‌اند. با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، معانی مرتبط با هستی‌شناختی این عناصر در ادبیات و شاهنامه فردوسی را توضیح داده و سپس این معانی را در نگارگری با رویکردی به حکمت ایرانی-اسلامی از طریق تجزیه‌وتحلیل داده‌های شهودی بررسی کرده‌ایم.

تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره بررسی نقش دو عنصر خاک و باد و نیز مفاهیم هستی‌ساز در نگارگری (خصوصاً شاهنامه تهماسبی) و نیز ارتباط نمادین آن‌ها با شاهنامه فردوسی انجام نشده است. اما پژوهش‌های متعددی به بررسی عناصر چهارگانه طبیعت در هنر و ادبیات شده است. در مقاله «بررسی تطبیقی نمادینگی عناصر طبیعت در شاهنامه» نوشته کوشش و کفاشی (۱۳۹۰)؛ به اهمیت چهارعنصر آب، آتش، باد و خاک که نماینده پاکی و سرچشمه زندگی در هستی هستند، پرداخته شده که تعمق در شاهنامه تأکید بر تأثیرپذیری فردوسی و غور و تفحص او در متون قدیمی ایران باستان و تمدن‌های دیگری همانند هند، چین و یونان است. عناصر طبیعت در شاهنامه، بنیان و ریشه‌ای اساطیری و شخصیتی منحصربه‌فرد دارند و دارای روح هستند که در همه جای داستان یاریگر قهرمانان حماسه‌اند. در این مقاله نمادینگی درخت، آب و باد در شاهنامه مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله «تحلیل نمادینگی عنصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای» به قلم قائمی و یاحقی (۱۳۸۸) براساس نقد اسطوره‌شناختی به بررسی نمادینگی عناصر متضاد چهارگانه در اساطیر، به‌ویژه اسطوره‌های خاک و باد و مشاهده تبلور آن در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. در مقاله کفشچیان مقدم و یاحقی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی عناصر نمادین نگارگری ایران» مطالعه اقسام عناصر نمادین مطابق با طبقه‌بندی نمادهای طبیعی، تلفیقی و هندسی، روند شناخت ژرف‌تری را از نمادگرایی و کارکرد و تمثیل عناصر در آثار نگارگری ایران فراهم کرده است. با مطالعه طبقه‌بندی نمادها در این پژوهش می‌توان گفت که ابداع و کاربرد عناصر نمادین در دوران مختلف نگارگری ایران، نقش مستقلی نداشته؛ بلکه طریق تکامل را در صورت و محتوا پیموده است.

## نتیجه‌گیری

نگارگری ایرانی دارای مضامین داستانی، عاشقانه، عارفانه و مذهبی است. هنرمند نگارگر با استفاده از آثار ادبی و عرفانی و سپس با بهره‌گرفتن از قوه خیال و مهارت خود و با تأثیر از اندیشه و فضای فکری فلسفی دوران خود، عناصر اصلی آن را در قالب نمادها و نشانه‌ها هستی بخشیده است. درواقع، جهان‌بینی نگارگری ایرانی مبتنی بر درک و نمایان کردن ذات موجودات و کشف دنیای آرمانی است. در این میان، شاهنامه فردوسی از مهم‌ترین متونی است که داستان‌های آن همواره موردتوجه نگارگران بوده است. بن‌مایه‌های اساطیری این داستان‌ها از یک‌سو و توجه نگارگران به این داستان‌ها موجب آفرینش نگاره‌های ارزشمندی از این کتاب شده است. نگارگر ایرانی عناصر طبیعی را با تکیه بر باور و تفکر خویش، می‌نگارد و نه آن‌گونه که آن را در عالم واقع مشاهده می‌کند. در آثار نگارگری ایران به‌وفور شاهد حضور نمادین عناصر و مفاهیم هستی به گونه‌های خاص هستیم. از لحاظ نمادینگی و اسطوره‌شناسی این عناصر، نقش مهمی در سروده‌های فردوسی در اثر گران‌بهایش دارند؛ نگاره دربار کیومرث دربردارنده جنبه‌های مهم از اندیشه هستی‌شناسی (اساطیری) ایرانی بوده و چه در متن و چه در خود نگاره، به دید انسان ایرانی به جهان و زندگی، در قالب‌های جان و جهان پرداخته شده است. درواقع بازنمایی این عناصر و مفاهیم در این نگاره‌ها نمایان‌دن فضایی برگرفته از واقعیت ولی به‌صورت غیرمادی است که پدیدارهای آن معنایی نمادین و استعاری را نمایش می‌دهند.

## منابع و مآخذ:

- قرآن کریم  
آژند، یعقوب. (۱۳۸۴). نگارگری ایران. تهران: سمت.  
ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله. (۱۱۱۹). الاشارات و التنبيهات. تحقیق دکتر سلیمان دنیا. چاپ سوم. قاهره: دارالمعارف.  
ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۹۱). برهان شفا. ترجمه مهدی قوام صفری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.  
اردلان، نادر؛ لاله، بختیار (۱۳۹۶). حس وحدت نقش سنت در معماری ایرانی. تهران: یغمایی.  
ازهری، محمدبن‌احمد (۱۴۲۲). معجم تهذیب اللغة، مجلد ۴. محقق: قاسم، ریاض زکی. بیروت: دارالمعرفة.  
اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم؛ بلخاری، حسن. (۱۳۹۵). اسطوره متن هویت‌ساز. تهران: علمی فرهنگی.  
اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). «دماوند در اساطیر ایرانی». مجله فرهنگ و ادبیات عامه. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. شماره ۱۴، ۹۷-۱۱۶.  
اله‌باشتی، علی. (۱۳۸۳). «جهان‌شناسی میرداماد و ملاصدرا». فصلنامه علمی-ترویجی دانشگاه قم، شماره دوم و سوم. ۳-۲۷.  
بلخاری قهی، حسن؛ محمدی وکیل، مینا. (۱۳۹۷). «دلایل فقدان منظره‌نگاری در نقاشی با توجه به اتیمولوژی واژه طبیعت در زبان فارسی». نشریه رهپویه هنر/ هنرهای تجسمی. شماره ۱، ۴۵-۵۶.

بلخاری قه‌ی، حسن. (۱۳۸۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، (دفتر دوم) کیمیای خیال، تهران: سوره مهر.

بهار، مهرداد. (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست)، تهران: طوس.

حسین یاد، سید مشکور. (۱۳۸۰). جنبه‌های مهم وجودشناسی ملاصدرا. در: مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا، تهران؛ جلد ششم. جلد ششم: هستی‌شناسی و مسائل پیرامونی. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

حسینی‌راد، عبدالمجید و دیگران. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران، تهران، موزه هنرهای معاصر.

دادگی، فرن‌بغ. (۱۳۹۵). بندهش. برگردان مهرداد بهار، تهران: طوس

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

رضایی، ابراهیم؛ شانظری، جعفر. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل نسبت انسان با طبیعت در فلسفه ملاصدرا». پژوهش‌های فلسفی کلامی. شماره ۷۳، ۲۴-۶.

زمردی، حمیرا. (۱۳۸۲). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق‌الطیر. تهران: زوار.

سرلو، خوان ادوارد. (۱۳۹۲). فرهنگ نمادها. مترجم مهران‌گیز اوح‌دی. تهران: دستان.

شهرستانی، محمدبن عبدالکریم. (۱۳۹۲). نه‌ایه‌الاقدام فی علم الکلام، تهران: مجلس شورای اسلامی، موزه و مرکز اسناد، دانشگاه ادیان و مذاهب.

شوالیه، ژان؛ آلن، گرب‌ران. (۱۳۷۹). فرهنگ مادها: اساطیر، رویه‌ها و رسوم. ترجمه سودابه فضایی، چهار جلد، تهران: جیحون.

ضرغام، ادهم؛ حیدری، الهام. (۱۳۹۳). «بررسی آسمان در نگارگری از آغاز تا سده دهم هجری»، فصلنامه پیکره، شماره ۶، ۴۰-۲۵.

علاءالدین سمنانی، احمدبن‌محمد. (۱۳۹۱). منصفات فارسی، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.

قائمی، فرزاد؛ یاحقی، محمدجعفر و پورخالقی، مهدخت. (۱۳۸۸). «تحلیل نمادین‌گی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای»، مجله ادب پژوهشی، شماره ۱۰، ۸۲-۵۷.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). شاهنامه (از روی چاپ مسکو)، به کوشش سعید حمیدیان، ۴ مجلد (۹ ج)، تهران: نشر قطره.

کویاجی، جهانگیر کوو‌رجی. (۱۳۶۲). آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان، ترجمه جلیل دوست‌خواه، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و فرانکلین.

کوشش، رحیم؛ کف‌اشی، امیررضا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی نمادین‌گی عناصر طبیعت در شاهنامه، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۲۴، ۱۵۶-۱۲۹.

گرابر، اولگ. (۱۳۹۰). مروری بر نگارگری ایرانی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: فرهنگستان هنر.

گری، بازیل. (۱۳۶۹). نقاشی ایران، ترجمه عرب‌علی شروه، تهران: عصر جدید.

مستر‌حمی، سید عیسی. (۱۳۹۴). عناصر مادی آفرینش جهان از منظر قرآن و کیهان‌شناسی. مطالعات تفسیری. شماره ۲۴، ۱۵۶-۱۴۱.

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: حکمت.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). نظام حقوقی زن در اسلام. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). یادداشت‌های استاد مطهری؛ جلد سوم. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). بیست گفتار. تهران: صدرا.

مک کال، هنریتا. (۱۳۷۵). اسطوره‌های بین‌النهرینی. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز

ملاصدرا، صدرالدین محمد. (۱۳۶۳). مفاتیح‌الغیب. ترجمه محمد خواجه‌وی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

ملاصدرا، صدرالدین محمد. (۱۳۷۷). رساله حدوث العالم، به ترجمه و تصحیح محمد خواجه‌وی. تهران: مولى.

ملاصدرا، صدرالدین محمد. (۱۹۸۱). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی

نبویان، سید محمود. (۱۳۸۷). «مادی و مجرد». مجله معرفت فلسفی، شماره ۳، ۲۲۳-۲۰۷.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۴). رویکردی اسطوره‌ای به عناصر چهارگانه در فرهنگ ایرانی، در مقالات اولین هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت (آب - خاک - هوا و آتش) ویراستار: اسماعیل آریانی، تهران: فرهنگستان هنر.

هایدگر، مارتین. (۱۳۷۸). سرآغاز کار هنری. مترجم پرویز ضیاءشهبابی، تهران: هرمس.

هینلز، جان. (۱۳۸۸). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.

یونگ، گوستاو. (۱۳۸۳). انسان و سمبل‌هایش، ترجمه: محمود سلطانیه، تهران: جامی.

Vonstuart Carywelchim, presfel-ve. lag. munchen. (۱۹۷۶).  
 DASBVCHDERKONIGE(Dos Schaname des SchahTahmasb)der deutschen Ausgabe  
 Ontology".  
 Online Etymology Dictionary. At:  
[https://en.wikipedia.org/wiki/Online\\_Etymology\\_Dictionary](https://en.wikipedia.org/wiki/Online_Etymology_Dictionary) or:  
<https://www.etymonline.com/word/ontology>